

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان:
An investigation of the historical evolution of Al-Rashid bi'llah mausoleum in
Isfahan
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

پژوهشی در سیر تحول تاریخی بقعه الراشد بالله در اصفهان

طاها صنیع‌زاده*

دانشجوی کارشناسی‌ارشد تاریخ هنر جهان اسلام، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۵

چکیده

تحول و دگردیسی اماکن و بناهای آیینی در دین جدید و تداوم باورهای گذشته در قالب‌های نو، امری مرسوم و متداول در جهان است. در ایران نیز بسیاری از بناهای دوره اسلامی مانند مساجد و امامزادگان ریشه در پیش از اسلام دارند. یکی از ابنیه تاریخی مهم و مهجور اصفهان، بقعه تاریخی الراشد بالله یا امامزاده شاهزاده حسین (ع) متعلق به قرن ششم هجری و مقارن سلطنت سلجوقیان است. این بنا در محله شهرستان (جی)، از قدیمی‌ترین محلات اصفهان با سابقه پیش از اسلام، قرار دارد. در خصوص تاریخچه و هویت افراد مدفون در این بنا، تناقضات و ابهامات زیادی وجود دارد. این پژوهش با معرفی و یافتن روند رویکرد تاریخی بنا بر مبنای اسناد و شواهد تاریخی و یافته‌های باستان‌شناسی در پی پاسخ به این پرسش است که آیا این بنا ریشه‌ای در دوران پیش از اسلام دارد و همچنین با استناد به دلایل و اسناد معتبر برای شناسایی هویت افراد مدفون تلاش می‌کند. در این پژوهش بنیادین و کاربردی، روش تحقیق توصیفی، تحلیلی و تاریخی است و اطلاعات گردآوری‌شده به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی با روش استقرایی تحلیل می‌شود. بر مبنای نتایج پژوهش، در مکان بنای فعلی، ابتدا معبد مهر و آناهیتا و سپس بنای آیینی زرتشتی وجود داشته که با خراب‌شدن آن در زمان حمله اعراب به ایران، در قرن دوم و سوم هجری مسجدی مستحکم به جای آن ساخته می‌شود. در قرن ششم خلیفه الراشد بالله در اصفهان کشته و در قسمت شمالی مسجد مدفون می‌شود. در همین قرن مسجد، مناره و گنبدی برای مقبره خلیفه ساخته می‌شود که مسجد و مناره در قرن‌های بعدی تخریب شده و تنها بنای مقبره بر جای مانده است. هویت فرد مدفون در بنا نیز به نظر می‌رسد مربوط به خلیفه الراشد بالله و یکی از نوادگان امام حسن (ع) به نام شاهزاده حسین باشد.

واژگان کلیدی: الراشد بالله، دگردیسی، بنای مقدس، آیین مهر، آیین میترا.

مقدمه

که بعدها به «گی» و «جی» تبدیل شد. با توجه به قرار گرفتن این شهر در محل تقاطع راه‌های اصلی در دوره هخامنشی، جی اقامتگاه سلطنتی بود و در وقایع مربوط به جنگ‌های اسکندر و جانشینان او به نام‌های «گابه» و «گابن» در متون دیده می‌شود. در زمان‌های بعد و مقارن با تصرف ایران به دست اعراب، جی از روستاهای بسیار معروف و معتبر شهر اصفهان بوده است (هنرفر، ۱۳۴۴، ۱-۲). البته نقل‌هایی نیز وجود دارد که می‌گوید جی را اسکندر بنا نهاد و نام معمار آن جی بن زراده بوده که نام شهر از نام او گرفته شده است

یکی از قدیمی‌ترین محلات شهر اصفهان، محله شهرستان واقع در ساحل شمالی زاینده‌رود و شرقی‌ترین قسمت شهر اصفهان کنونی است که به باور محققان و باستان‌شناسان، در واقع باقی‌مانده «جی باستان» و یکی از دو هسته اصلی شهر اصفهان است (گودرزی، ۱۳۹۶، ۶۲). از جمله نخستین شهرهایی که آریاییان در ایران بنا نهادند شهر «گابه» است

نوشتار با شیوه‌های میدانی و کتابخانه‌ای، داده‌های موجود را جمع‌آوری و به شیوه استقرایی مورد مذاقه و تحلیل قرار داده است.

پیشینه تحقیق

منابعی که در آن می‌توان مطالبی در خصوص بقعه الراشد بالله یا امامزاده شاهزاده حسین (ع) اصفهان یافت، عمدتاً معطوف به شرح بنا به‌عنوان یکی از ابنیه تاریخی اصفهان و منحصر به شرح مختصر تاریخچه دوره اسلامی بنا است و تاکنون پژوهش اختصاصی در خصوص روند تاریخی و سبقه پیشاسلامی بنا ارائه نشده که مهم‌ترین وجه تمایز پژوهش حاضر با منابع پیشین است. در منابع یاد شده سه احتمال در خصوص تاریخچه بنا داده شده است:

در دسته منابع اول بقعه حاضر به مدفن الراشد بالله سی‌امین خلیفه عباسی نسبت داده شده و انتساب بنا به‌عنوان امامزاده ناشی از تغییر نام و کاربری بنا در دوره صفوی یا تخریب مقبره خلیفه در این زمان دانسته شده است. از منابع قدیمی این گروه می‌توان از کتاب «گنجینه آثار تاریخی اصفهان» (هنرفر، ۱۳۴۴) و «مقاله آثار تاریخی جی» (هنرفر، ۱۳۵۲) یاد کرد. در منابع متأخرتر در مقاله «آثار ناشناخته دوره اسلامی در مجموعه یادگارهای تاریخی اصفهان» (۱۳۸۱) از لطف‌الله هنرفر و مقاله «محلّه شهرستان، جایگاه جی و هسته اصلی شهر اصفهان» (گودرزی، ۱۳۹۶) نیز همین نظریه تکرار شده است.

در مقابل، گروه دوم این بنا را مدفن دو تن از نوادگان امام حسن (ع) می‌دانند. سید مصلح‌الدین مهدوی در کتاب «مزارات اصفهان» (۱۳۸۲) باور دارد که محل قبر خلیفه در نزدیکی این ساختمان قرار داشته که در زمان‌های پیشین و احتمالاً توسط شاهان صفوی تخریب شده و بنای حاضر حقیقتاً مزار دو تن از امامزادگان است. ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی در کتاب «آثار ملی اصفهان» (۱۳۵۲) نیز آن را محل دفن دو امامزاده می‌داند. جلال‌الدین همایی در کتاب «تاریخ اصفهان، مجلد سلسله‌سادات و مشجرات» (۱۳۹۰) بدون قضاوت در خصوص حقیقت فرد یا افراد مدفون در این بقعه، سلسله‌انساب دو امامزاده را معرفی می‌کند.

در نظریه سوم، محمد قاسم هاشمی در مقاله‌ای به نام «تاریخچه جی و شهرستان» که در کتاب «خورشید جی» (۱۳۸۴) توسط رسول جعفریان گردآوری شده، این احتمال را مطرح می‌کند که بقعه، مدفن خلیفه عباسی در کنار شاهزاده ابراهیم یا شهیدی به نام حممه، از شهدای دوره صدر اسلام، باشد. تنها پژوهش اختصاصی تاکنون درباره این بنا پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد با عنوان «طرح مرمت بقعه منسوب به

(هنرفر، ۱۳۵۲، ۲۵). در هر صورت، به طور مسلم شهر جی از مناطق بسیار کهن اصفهان است که سابقه غنی پیش از اسلام دارد.

به دلیل اهمیت و جایگاه ویژه جی در طول تاریخ، آثار تاریخی متعددی از دوران پیش از اسلام و دوره اسلامی مشاهده می‌شود. از جمله آثار بااهمیت که اکنون مهجور واقع شده، گنبدی آجری است که در نزد اهالی به بقعه شاهزاده حسین (ع) و مدفن امامزاده ابراهیم (ع) و امامزاده حسین (ع) شهرت دارد. گروهی از محققان نیز با استناد به روایات تاریخی آن را مدفن الراشد بالله، سی‌امین خلیفه عباسی می‌دانند. به روایت تاریخ، الراشد بالله در سال ۵۲۹ هجری قمری و پس از کشته‌شدن المَستَرشد بالله، به خلافت رسید و بعد از ایجاد اختلاف میان او و حکومت مقتدر سلجوقی در ایران، از بغداد خارج شد و در شهرهای گوناگون درگیر جنگ و نزاع بود تا آن که در نهایت به اصفهان آمد و پس از یک سال خلافت، در این شهر کشته و در مسجد جامع جی مدفون شد (حداد عادل، ۱۳۹۹، ۲۱۴-۲۱۶). گفته شده که خلیفه در دوره نقاهت پس از یک بیماری سخت بود که توسط جمعی از اهالی خراسان که همراه و در خدمت وی بودند ناگهان به قتل رسید (همایی، ۱۳۹۵، ۳۰۰). در خصوص دو امامزاده مدفون نیز گفته شده که آنان ابراهیم ابن زید ابن حسن ابن علی (ع) و حسین ابن زید ابن حسن ابن علی (ع) و هردو از سادات حسنی هستند (همایی، ۱۳۹۰، ۴۷).

در اینجا نکته مهم آن است که علاوه بر ظن تبدیل بنای مقبره خلیفه عباسی به امامزاده در دوره صفویه، که امری مسبوق به سابقه است، یا امکان دفن دو امامزاده در محل پیشین مقبره خلیفه، با عنایت به سبقه پیشاسلامی قریه جی (محلّه شهرستان فعلی) احتمال می‌رود که بنای فعلی بر شالوده معبدی کهن بنیان شده باشد. خصوصاً آنکه پژوهش‌های اخیر نمونه‌هایی از تبدیل معابد کهن به آتشکده‌های زرتشتی و سپس به بناهای اسلامی مانند مسجد و امامزاده را به اثبات رسانده است. از این‌رو تبدیل مکان مقدس در گذر زمان در دین و آیین جدید در سراسر جهان امری مرسوم است؛ چنانکه تبدیل آتشکده‌های ساسانی به مساجد اولیه صدر اسلامی در ایران و تبدیل معابد میترایی به کلیساهای اروپا را شاهد هستیم. بدیهی است که نزد مردم خداپاور زمین مقدسی که وقف خدا شده، مقدس باقی می‌ماند و با تغییر آیین، بنای جدید همچنان مقدس خواهد بود.

با توجه به مطالب یاد شده، و بررسی اسناد تاریخی، یافته‌های باستان‌شناسی و تطبیق و تحلیل نگارنده از شرایط جغرافیایی، نمونه‌های مشابه و روند سیر تاریخی بقعه آیا می‌توان پیشینه پیش از اسلام را در این بنا تخمین زد؟ این

موجود در سراسر ایران، یادگارهای کهن دوران نیایش مهر هستند که در کالبدی مطابق باورهای جدید ادامه حیات داده‌اند. آنچه امروز به نام آتشکده مشهور است یا تبدیل به مسجد و مکان مقدس اسلامی شده، پیشتر نیایشگاه مهر و آناهیتا بوده که بعداً تبدیل به آتشکده و سپس تغییر کاربری داده است (جوادی، ۱۳۹۷، ۱۴).

• ابنیه تاریخی جی

چنان‌که بیان شد، منطقه جی یکی از شهرهای مهم دوره باستان در محدوده اصفهان فعلی بوده است و همچنان به‌رغم خرابی‌ها و گذشت قرون متمادی، بجز بقعه الراشد بالله که در ادامه شرح داده خواهد شد، ابنیه تاریخی مهمی در آن وجود دارد. معرفی کوتاه و شرح ارتباط میان ابنیه تاریخی جی به درک جایگاه و پیشینه بنای مورد بحث کمک ویژه‌ای می‌کند. پل شهرستان در شرق محدوده شهر اصفهان که بر روی رودخانه زاینده‌رود ساخته شده است. بنا به نظر باستان‌شناسان، پایه‌های پل مربوط به دوره ساسانی است که در دوره‌های دیلمیان و سلجوقیان تعمیراتی در آن انجام گرفته است (هنرفر، ۱۳۴۴، ۸).

مناره شهرستان مربوط به قرن ششم هجری که در مجاورت مقبره الراشدبالله قرار داشته و امروزه اثری از آن نیست (هنرفر، ۱۳۵۲، ۳۶).

باروی عظیم جی که بنا بر گفته منابع تاریخی، مربوط به دوران پیش از اسلام بوده است. چنانکه مافروخی نقل می‌کند نیمی از بارو در زمان طهمورث پادشاه پیشدادی و نیم دیگر در زمان سلطنت فیروز ابن یزدگرد ساسانی ساخته شده است (جعفریان، ۱۳۸۴، ۴۰).

مسجد جامع جی متعلق به دوره اسلامی در ضلع جنوبی مزار الراشد بالله که در کاوش‌های دهه ۱۳۵۰ شمسی بقایای مسجد دوره سلجوقی، ابنیه دوره عباسی و دیوارهای سنگی احتمالاً مربوط به پیش از اسلام] یافت شد (میرفتاح، ۱۳۵۵، ۱۹۵-۲۳۶). این بنا امروز به‌صورت تپه‌ای معروف به تپه جی باقی‌مانده که روی آن دو مدرسه ساخته شده است.

تپه اشرف که در فاصله حدود ۳۰۰ متری جنوب غربی بقعه الراشدبالله و در ساحل شمالی زاینده‌رود قرار دارد. تپه ۱۲ هکتار وسعت دارد و بر روی بنیانی صخره‌ای قرار گرفته است (جعفری زند، ۱۳۸۱، ۲۰۴). برخی احتمال داده‌اند تپه اشرف بقایای کهن دژ سارویه، قلعه بزرگ پیش از اسلام باشد که نام آن در منابع آمده است (هنرفر، ۱۳۴۴، ۲۰).

طی کاوش‌های کوتاه در دو دهه اخیر، وجود استمرار استفاده از تپه از دوره پیش از اسلام تا دوره اسلامی به اثبات رسید. در این کاوش‌ها تدفین مربوط به دوره اشکانی به دست آمد که می‌تواند دلیلی بر کاربرد آیینی مکان باشد (کشف اسکت

الراشدبالله اصفهان و ساماندهی محیط پیرامون آن» (۱۳۹۳) از رضا صادقی است که به بررسی راهکارهای حفظ، مرمت و ساماندهی بنای موجود می‌پردازد.

در خصوص شرح زیسته الراشد بالله، کشته‌شدن و دفن او در اصفهان منابع تاریخی مهمی چون «معجم‌البلدان» از یاقوت حموی و کتاب «آل سلجوق» از عماد کاتب اصفهانی وجود دارد. در منابع متأخر، مدخل الراشد بالله در «دانشنامه جهان اسلام» (۱۳۹۹) نوشته شده زیر نظر غلامعلی حداد عادل و کتاب «تاریخ اصفهان مجلد حوادث و وقایع» (۱۳۹۵) نوشته جلال‌الدین همایی به این ماجرا پرداخته‌اند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از گروه تحقیقات بنیادی و کیفی است و روش تحقیق مورد استفاده در آن شامل شیوه‌های توصیفی، تحلیلی و با رویکرد تاریخی است؛ گردآوری اطلاعات در آن به شیوه میدانی و کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌ها به شیوه استقرایی صورت پذیرفته است. در مراحل نتیجه‌گیری، شیوه‌های تاریخی محض (اسناد و مدارک تاریخی)، باستان‌شناختی (نتایج کاوش‌های باستان‌شناسی) و تطبیق با نمونه‌های مشابه (سایر ابنیه که پیشتر مورد پژوهش و کاوش قرار گرفته و نتایج آن از نظر علمی به اثبات رسیده است) مبنای استدلال و مورد توجه بوده است که در خصوص هریک از بازه‌های تاریخی بنا، همه یا بعضی از این شیوه‌ها مورد استفاده قرار گرفته است.

مبانی نظری

تغییر و دگردیسی اماکن مقدس در کالبد مکان مقدس مربوط به دین جدید امری مرسوم در اکثر سرزمین‌ها است. در ایران بیشتر بناهایی که در دل کوه‌ها، کنار چشمه‌ها و درختان مقدس بنا شده و نیایشگاه‌های کهن بوده‌اند، طبق شواهد پرستشگاه‌های مهر و آناهیتا بوده که در طی زمان و ظهور ادیان جدید دچار تغییر شده تا مناسب عملکرد آیین نو باشد (جوادی، ۱۳۸۶، ۱۳). نیایشگاه آب و گیاه و سپس نیایشگاه‌های مرتبط با این عناصر مقدس از دیرباز میان ایرانیان متداول بوده و مواردی چون درخت و چشمه مقدس، چارتاقی‌ها، کوه‌های مقدس و اماکن منسوب به مسجد و امام‌زاده که در طبیعت در کنار رودخانه، چشمه یا قنات ساخته شده و از گذشته مورد احترام مردم بوده، به طور مسلم بر پایه باورهای طبیعت‌گرایانه ایرانیان باستان شکل گرفته است (همان، ۱۴). بنابراین در ارتباط این عناصر با اماکن مقدس دوره اسلامی، وجود گذشته پیش از اسلامی این بناها محتمل است. همچنین می‌توان گفت اماکن مقدس اسلامی و بعضاً زردتشتی

سردرب بنا مربوط به همین زمان باشد.

• سیر تحول بنا در تاریخ

از آنجا که وجود روایت‌های مختلف و مغشوش تاریخی و



تصویر ۱. آثار برش‌های موازی شبیه به نهر در بستر سنگی زاینده‌رود و مجاورت تپه اشرف. عکس: طاها صنیع‌زاده، ۱۴۰۱.



تصویر ۲. جبهه شمالی و سردرب ورودی بنا. عکس: طاها صنیع‌زاده، ۱۴۰۱.



تصویر ۳. وضعیت داخلی بنا و ضریح چوبی آن. عکس: طاها صنیع‌زاده، ۱۴۰۱.

دومین بانوی اشکانی در کاوش‌های تپه اشرف اصفهان، (۱۳۹۹). این تپه و تپه جی به هم متصل بوده که احداث خیابان‌های جدید آن‌ها را از هم جدا کرده است (جعفری زند، ۱۳۸۱، ۲۱۰). نگارنده در بستر زاینده‌رود و کنار این تپه آثار برش صخره‌های سنگی را شناسایی کرده است که نشان‌دهنده انجام مراسم آیینی مرتبط با آب در این منطقه است (تصویر ۱).

• وضعیت کنونی بنای شاهزاده حسین (ع) یا بقعه‌الراشد بالله این بنا، اکنون در محله شهرستان اصفهان و ساحل شمالی زاینده‌رود واقع شده است (حدود ۲۰۰ متر داخل خیابان بازارچه، بر فراز تپه‌ای که چند متر بالاتر از سطح اطراف است در پشت دو مدرسه (دبیرستان و دبستان) دخترانه). ورودی فعلی آن در ضلع شمالی است و در بالای سردرب اصلی آثار کاشی‌های نگینی فیروزه‌ای احتمالاً متعلق به دوره قاجار مشاهده می‌شود (تصویر ۲). بعد از درب اصلی، حیاطی بسیار کوچک وجود دارد و پس از ورود به این فضا و با گردش به سمت چپ ورودی گنبدخانه رو به سمت جنوب مشاهده می‌شود. داخل گنبدخانه ضریح کوچک چوبی وجود دارد و درون آن صورت دو قبر به چشم می‌خورد (تصویر ۳).

وجه داخلی بنا با گچ پوشانده شده، فاقد تزئینات است. تنها در داخل قسمت شال گنبد، کتیبه کوفی تزئینی، مزین به آیات ۳۶ تا ۳۸ سوره نور به سبک گچ‌بری‌های دوره سلجوقی وجود دارد که متأسفانه فاقد تاریخ است. داخل امام‌زاده دو زیارت‌نامه به خط نسخ بر روی چوب قرار دارد که دارای تاریخ ۱۳۰۹ هجری قمری (دوره قاجار) است و به آستانه امام‌زاده حسین ابن زید بن حسن بن علی (ع) اهدا شده است. جالب آنکه در متن فعلی، نامی از امام‌زاده ابراهیم نیامده است.

شکل کلی بنا هشت ضلعی با گنبد تخم‌مرغی است که در تمامی اضلاع آن در قسمت بالا و یکی از اضلاع در قسمت پایین پنجره به بیرون وجود دارد. محققان بنا را متعلق به دوره سلجوقی می‌دانند (ن. ک هنرفر، ۱۳۴۴، ۲۰۶ و جعفریان، ۱۳۸۴، ۳۲). در ضلع شمالی بنا و کنار سردرب، کتیبه سنگی کوچکی به چشم می‌آید که نشان‌دهنده وقف‌نامه‌ای مربوط به سال ۱۰۸۱ هجری قمری مقارن با دوره صفویه است و در این کتیبه نیز تنها نام شاهزاده حسین (ع) قید شده است. سطح بیرونی گنبد ساده و آجری و در قسمت پایین آن هنوز بقایای تعدادی کاشی لعاب‌دار فیروزه‌ای وجود دارد که آشکارا تضاد با ساختمان اصلی بنا است و به نظر می‌رسد در دوره‌های بعدی اضافه شده باشد. برخی منابع احتمال داده‌اند که در دو قرن اخیر و با توجه به شهرت بنا به امام‌زاده در نزد مردم محلی، اقدام به کاشی‌کاری گنبد شده باشد (جعفریان، ۱۳۸۴، ۳۳). ممکن است کاشی‌های گنبد و اضافه‌شدن

جی در جوار مکانی که اکنون به نام بقعه الراشد بالله شناخته می‌شود قرار داشته و قدمتی پیش از دوره سلجوقی داشته است و با دفن خلیفه در آن، قسمتی از مسجد به شکل مقبره ساخته شده است. در حفاری‌هایی که در دهه پنجاه شمسی در تپه واقع در ضلع جنوبی بنا (محل فعلی دو مدرسه دخترانه) انجام شد، مشخص شد که مسجدی نسبتاً بزرگ مربوط به دوره سلجوقی در ضلع جنوبی بقعه الراشد بالله وجود داشته که هم‌ردیف مسجد جامع اصفهان بوده است. در زیر شالوده این بنا آثاری از معماری دوره عباسی و همچنین پی دیوارهای سنگی که احتمالاً مربوط به دوره پیش از اسلام است به دست آمده است (میرفتاح، ۱۳۵۵، ۱۹۵-۲۳۶). تا اینجا مسلم شد که در جنوب بقعه الراشد بالله، مسجدی عظیم مربوط به دوره سلجوقی وجود داشته که پس از قتل خلیفه او را در شمالی‌ترین قسمت آن دفن و سپس بقعه مجزایی برای او در آن قسمت ساخته می‌شود. با توجه به اینکه ورودی کنونی نیز به سمت جنوب است و ورودی دیگری در بنا وجود ندارد، می‌توان فهمید که در گذشته تنها راه ورود به بنا از داخل مسجد جامع جی بوده و بنابراین مزار خلیفه جزئی از ساختمان مسجد بوده است.

اکنون لازم است که قدمت بنای مسجد یا سایر ابنیه موجود در این مکان پیش از دوره سلجوقی و دفن خلیفه را بررسی کنیم. از آنجا که شهر اصفهان ابتدا در سال ۱۹ تا ۲۱ هجری قمری به وسیله اعراب بدون درگیری فتح شده، در پی شورش مردم اصفهان در سال ۲۳ هجری مجدداً به تصرف اعراب درآمد و ابوموسی اشعری به تلافی قتل فرزندش در این واقعه شهر را ویران کرد، احتمالاً جی باستان در این حمله خراب شده که بر مبنای شواهد تاریخی این ویرانی‌ها تا سال ۱۵۰ هجری ادامه یافته است (جعفری زند، ۱۳۸۱، ۶۷). به نظر می‌رسد در قرن دوم و سوم هجری مسجدی در این مکان ساخته شده که شالوده آن به صورت دیوارهای خشتی دوره عباسی و در لایه بالاتر از دیوارهای سنگی یافت شده است. پس از آن است که مقدسی در قرن ۴ از مسجد جامع شهرستان (یا به تعبیر او مدینه) یاد می‌کند و به استحکام و قدمت زیاد آن اشاره می‌کند (همان، ۶۳).

بنابر اسناد تاریخی و داده‌های باستان‌شناختی یاد شده، پس از ویرانی بنای ناشناخته مربوط به دوره پیش از اسلام در جریان فتح اصفهان در سال ۲۳ هجری، ویرانه‌ها به صورت تپه‌ای متروک حداقل تا سال ۱۵۰ هجری وجود داشته است. در قرن ۲ و ۳ هجری مسجدی عظیم و مستحکم بر شالوده بناهای قبلی ساخته شده تا آنکه در قرن ششم خلیفه عباسی در ضلع شمالی آن دفن شده و احتمالاً پس از آن مسجدی جدید بر پایه مسجد پیشین نوسازی شده و در این اقدامات

یافته‌های اندک باستان‌شناسی، درک و شناسایی روند تاریخی بنا را دشوار می‌کند، لازم است شناسایی سیر بنا به صورت مرحله‌ای و از مسلمات به فرضیات صورت پذیرد. مسلم‌ترین مقاطع تاریخی بنا ابتدا به زمان دفن خلیفه و پیش از آن، سپس دوره سلجوقی تا دوره معاصر و در نهایت دوره پیش از اسلام است. بنابراین در ابتدا تاریخچه بنا از دوره سلجوقی تا صدر اسلام شناسایی و معرفی خواهد شد. در گام دوم تحولات بنا از دوره سلجوقی تا دوره معاصر بررسی و در مرحله سوم که مهم‌ترین گام است، پیشینه احتمالی پیشااسلامی بنا بر مبنای تحلیل و تطبیق شناسایی خواهد شد.

– روند بنا از دوره سلجوقی تا صدر اسلام (از متأخر به متقدم)

قدیمی‌ترین منبعی که به کشته‌شدن و دفن الراشد بالله در اصفهان اشاره دارد، عماد کاتب اصفهانی مورخ قرن ۶ هجری است که نقل می‌کند واقعه کشته‌شدن راشد بالله در زمان طفولیت او رخ داده است. عبارتی که او در این خصوص می‌نویسد قابل توجه است: «و دُفِنَ الرَّاشِدُ بِاللَّهِ فِي مَدِينَةِ جِي وَ أَفْرَدَتْ لَهُ التَّرْبَةَ فِي جَامِعِهَا وَ صَارَ الْيَوْمَ مَوْضِعَ قَبْرِهِ عَنِ اشْرَفِ مَوَاضِعِهَا» (همان، ۳۲). از این عبارت چند نکته قابل دریافت است: اول آنکه به‌طور قطع الراشد بالله در جی دفن شده است. دوم آن که پیش از دفن وی مسجد جامع جی وجود داشته و او را در این مکان دفن کردند. سوم آنکه مقبره در همین زمان ساخته شده که احتمالاً با تخریب یا تغییر قسمتی از مسجد اتفاق افتاده است. چهارم آنکه مکان قبر او در زمان نویسنده مهم تلقی می‌شده و احتمالاً مورد زیارت مردم محلی قرار می‌گرفته است. پس از عماد کاتب، یاقوت حموی در معجم البلدان در قرن ۷ هجری می‌نویسد: «و فی جی مشهد الراشد بالله ابن المُسْتَرشِد بالله معروف و یَزُور و هی علی شاطی نهر زاینده‌رود» (همان، ۳۳). از این عبارت یاقوت نیز چند نکته مستفاد است: یکم آن که در قرن هفتم محل قبر الراشد بالله کاملاً شناخته شده بوده و مورد زیارت مردم واقع می‌شده است؛ دوم آنکه محل این قبر در کنار ساحل زاینده‌رود واقع شده بوده که با تطابق آن با تأکید عماد کاتب مبنی بر دفن خلیفه در مسجد جامع جی، مکانی که امروز به نام امام‌زاده شناخته می‌شود به احتمال زیاد همان مقبره خلیفه است. در کتاب مجمل‌التواریخ و القصص که نویسنده آن نامشخص است و ظاهراً در قرن ششم نگاشته شده نیز آمده: «الراشد بالله [را] باصفهان حماه الله من الافات دفن کردند» (هنر فر، ۱۳۴۴، ۲۰۹). که این عبارت نیز مجدداً تأکید بر وجود قبر خلیفه عباسی در اصفهان است.

بنا بر مطالب یاد شده می‌توان حدس زد که مسجد جامع

می‌کند و آن را مسجدی مربوط به الراشد بالله و مورد زیارت مردم می‌داند و در جای دیگر، آن را مقبره خلیفه عباسی بر می‌شمارد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ۲۳۷۳، ۱۱۷). در سال ۱۸۶۰ میلادی/ ۱۲۵۵ قمری، اوژن فلاندن در سفرنامه خود از این بنا دیدن می‌کند و می‌نویسد: «در بین آثار باقیه‌اش [شهرستان]، هنوز مسجدی کوچک برجاست که گنبد و مناره دارد و شاید در زمانی که اصفهان اهمیتی بسزا می‌داشته شهرستان نیز جایگاه خواسته بزرگان بوده است» (فلاندن، ۲۵۳۶، ۲۳۷). منظور از مسجد همان بقعه خلیفه است که تا آن زمان مناره شهرستان در کنارش وجود داشته است. خوشبختانه او چند تصویر بالارش از شهرستان و بقعه خلیفه به ثبت رسانده که امروز در شناسایی وضعیت پیشینه بنا بسیار مؤثر است (تصاویر ۵و۴).

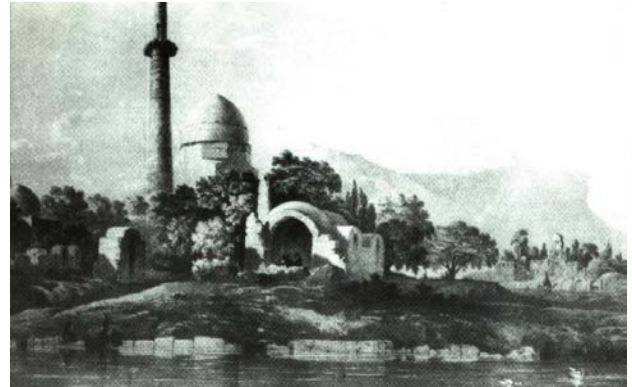
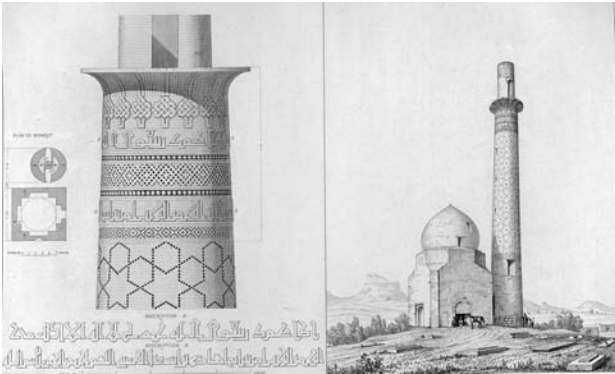
تصویر اول از منظره ساحل جنوبی زاینده‌رود به سمت شمال ترسیم شده که در پس زمینه، تصویر گنبد آجری الراشد بالله و مناره شهرستان دیده می‌شود. از این تصویر می‌توان دریافت که وضعیت ظاهری بنا از دوره قاجار تاکنون تغییر چشمگیری نداشته است. در جلو تصویر تپه‌ای در ساحل زاینده‌رود دیده می‌شود که با توجه به زاویه ترسیم، محل تپه اشرف فعلی است و بر آن، خرابه‌های دو چارتاکی کوچک نمایان است. اما مهم‌ترین اطلاعات نهفته در این تصویر حاوی دو نکته در شناخت پیشینه پیش از اسلام بنا است. ابتدا در قسمت خط آب زاینده‌رود، بقایای دیوارهای سنگی به چشم می‌خورد که نشان‌دهنده وجود تأسیساتی مربوط به پیش از اسلام در محل تپه اشرف فعلی است که امروزه وجود ندارد. از آنجا که معماری سنگی به این نحو در دوره اسلامی رواج نداشته، مسلماً این ساختمان‌ها به دوره پیش از اسلام تعلق داشته و با توجه به نزدیکی آن به زاینده‌رود احتمالاً کاربرد آیینی در ارتباط با آب داشته است. مورد دیگر وجود درختان کهن‌سال انبوه در اطراف مزار خلیفه است که هیچ‌یک اکنون وجود ندارد. احتمال می‌رود حضور درختان به آیین‌های پیش از اسلام مربوط باشد (تصویر ۴). در تصویر دوم که به‌طور اختصاصی از بنا ترسیم شده، چند نکته بسیار مهم قابل دریافت است: اول تزیینات و متن کتیبه‌های مناره شهرستان و موقعیت دقیق آن در ضلع جنوب‌شرقی گنبد. دوم قرارگرفتن بنا بر روی تپه و نبودن مسجد جامع در جوار آن. سوم قرارگرفتن درب ورودی گنبدخانه از سمت جنوب که اکنون نیز به همان نحو باقی است. چهارم وجود قبرستان در پیرامون بنا که نظریه مطرح شده مبنی بر تدفین در جوار بنا حداقل از دوره صفوی به بعد را تأیید می‌کند. پنجم آنکه حیاط و سر درب ورودی فعلی تا زمان ترسیم این تصاویر وجود نداشته و مطابق آنچه قبلاً بیان شد احتمالاً در دوره

ساختمان مقبره خلیفه به‌صورت گنبدخانه‌ای وابسته به مسجد ساخته شده است. همچنین مناره‌ای بلند و منفرد در دوره سلجوقی و قرن ششم هجری در کنار مدفن خلیفه عباسی ساخته شده بود که به منار شهرستان یا شاه رستم شهرت داشته و تا سال ۱۳۳۳ قمری و دوره قاجار موجود بوده است (هنرفر، ۱۳۴۴، ۲۱۰).

– روند بنا از دوره سلجوقی تا دوره معاصر (از متقدم به متأخر)

پس از دوره سلجوقی، سند تاریخی چندانی وجود ندارد تا در دوره صفوی که شاردن، سیاح معروف فرانسوی از بنا دیدن کرده و آن را مقبره خلیفه عباسی بر می‌شمارد (جعفریان، ۱۳۸۴، ۸۶). با توجه به اینکه شاردن نامی از مسجد جی نمی‌برد به نظر می‌رسد مسجد جامع جی پیش از دوره صفوی تخریب شده باشد. کشف سنگ قبری مربوط به دوره صفویه و شناسایی لایه قبرستانی پیرامون مقبره در فعالیت‌های باستان‌شناسی دهه ۱۳۵۰، نشان می‌دهد که حداقل از دوره صفویه به بعد پیرامون بنا و تپه به‌جا مانده از مسجد جامع جی، به قبرستان محلی تبدیل شده بوده است (ن.ک میرفتاح، ۱۳۵۵، ۲۱۶). در اینجا نگارنده احتمال می‌دهد با توجه به انتساب بنا به امامزاده شاهزاده حسین (ع) در دوره صفوی و سابقه دفن خلیفه در این مکان که هردو سبب احترام بنا نزد مردم شیعه و سنی محلی می‌شده است، پس از تخریب مسجد جی، مردم به دفن اموات خود پیرامون این بنا و تبدیل تپه به قبرستان روی آورده‌اند. چنان‌که شکل‌گیری قبرستان پیرامون اماکن مقدس امری مسبوق به سابقه و متداول بوده است. نکته مهم دیگر آن که در کتیبه سنگی دوره صفوی و زیارت‌نامه بازمانده از دوره قاجار که پیش‌تر گفته شد، تنها نام شاهزاده حسین به چشم می‌آید و از امامزاده ابراهیم (ع) نامی آورده نشده و شهرت محلی بنا نیز به نام «شاهزاده حسین (ع)» است. با توجه به وجود دو صورت قبر تا دوره معاصر، می‌توان این‌گونه حدس زد که پس از وفات یا شهادت امامزاده حسین از فرزندان امام حسن مجتبی (ع)، او را در کنار خلیفه عباسی دفن کرده باشند و یکی از دو قبر فعلی به امامزاده و دیگری به خلیفه عباسی تعلق دارد. اگرچه احتمال ضعیف دفن فردی به نام امامزاده ابراهیم (ع) (بنابر شجره‌نامه، برادر شاهزاده حسین) به‌جای خلیفه عباسی نیز وجود دارد. در نهایت در دوره صفویه با سیاست‌های پادشاهان صفوی مبنی بر گسترش تشیع، نام و یاد خلیفه عباسی از بنا حذف شده و نام امامزاده ارجحیت یافته است.

پس از صفویان، مهم‌ترین اسناد تاریخی از بنا مربوط به دوره قاجار است. اعتمادالسلطنه در کتاب مرآه البلدان، از بنا یاد



تصویر ۵. بقعه‌الراشد بالله در کنار مناره شهرستان و قبرستان پیرامون آن. دوره قاجار. اثر پاسکال کوست. سفرنامه فلاندن. مأخذ: آرامگاه الراشد بالله، بی تا.

تصویر ۴. دورنمای بقعه الراشد بالله و زاینده رود در زمان قاجار. سفرنامه فلاندن. مأخذ: جانزاده، ۱۳۸۸، ۱۳۶.

یافته‌های باستان‌شناسی دو دهه اخیر در تپه اشرف (که در واقع ضلع جنوبی تپه جی به شمار می‌آید و به واسطه خیابان از آن جدا شده)، مؤید وجود بناهای دوران هخامنشی، اشکانی و ساسانی در این منطقه و سپس بناهای اسلامی تا قرن ۱۲ هجری بوده است (کشف اسکلت بانوی اشکانی در تپه تاریخی اشرف اصفهان، ۱۳۹۹). لذا تردیدی در استمرار استفاده از این محدوده حداقل از دوره هخامنشی به بعد وجود ندارد.

مطلب مهم دیگر، یافته‌شدن تدفین انسانی مربوط به دوره اشکانی به شیوه آیین مهر (رو به شرق) و بسیار حائز اهمیت است (همان). باید توجه داشت همواره تدفین در کنار معابد و اماکن مقدس صورت می‌پذیرفته و شیوه تدفین مهری، مؤید وجود معبد مهرپرستی در این تپه تاریخی است. از سوی دیگر، یافته‌های باستان‌شناسی تپه اشرف، نشان‌دهنده وجود بنایی رو به شرق در این محل و بیانگر کاربرد آیینی آن است (جعفری زند، ۱۳۸۱، ۲۰۹). لازم به ذکر است که جهت مهراب‌های پیش از اسلام نیز رو به شرق بوده است (جوادی، ۱۳۹۷، ۱۳).

از سوی دیگر موقعیت جغرافیایی تپه تاریخی (کنار رودخانه) در ارتباط با معانی و کاربردهای آیینی آب، اهمیتی دوچندان می‌یابد. همچنین وجود بقایای معماری در ارتباط با آب در بستر زاینده رود و در مجاورت تپه اشرف که تصویر آن قبلاً ارائه شد، ساخته‌شدن بناهای دو تپه جی و اشرف بر صخره سنگی طبیعی مرتفع (که امروز به دلیل برش‌های ناشی از احداث خیابان در تپه اشرف و نواحی پیرامون تپه جی کاملاً مشهود است) و وجود درختان عظیم کهنسال در پیرامون بنا که تا دو قرن پیش وجود داشته، همه نشانه‌های معابد کهن ایران در ارتباط با آیین‌های مهر و آناهیتا است. اغلب این نیایشگاه‌ها در ارتباط با کوه، چشمه و درختان کهنسال بوده

قاجار به بنا اضافه شده است (تصویر ۵). پس از فلاندن، مادام دیولافوا در سال ۱۸۸۱ میلادی/ ۱۲۹۸ قمری در سفرنامه خود از این بنا یاد کرده و می‌نویسد: «نخستین چیزی که از دور به نظر می‌آید مناره یک امامزاده است ... در و دیوار بنای قدیمی امامزاده، کم و بیش سالم و بی‌عیب بود. در این بنا از هر چیز دیدنی‌تر طاق گنبدی آن است» (دیولافوا، ۱۳۹۳، ۲۷۷). از این عبارات نیز می‌توان دریافت که بنا در آن زمان به نام امامزاده شناخته می‌شده است.

تصاویر هوایی دوره پهلوی نشان می‌دهد که روستای شهرستان در سمت شرق بقعه و پیرامون روستا، زمین‌های کشاورزی قرار داشته است و تپه مسجد جامع به خوبی در ضلع جنوبی دیده می‌شود (تصویر ۶). تصویر دیگری از در دوره پهلوی وجود دارد که نشان‌دهنده وجود بقایای ساختمان‌های خشتی و آجری در ضلع شمالی گنبد است که اکنون وجود ندارد و در مسیر خیابان تخریب شده است (تصویر ۷).

– روند پیش‌اسلامی بنا

در شناسایی روند پیش‌اسلامی که مهم‌ترین و ناشناخته‌ترین قسمت پژوهش حاضر است، جهت شناسایی کاربری بنای پیش از اسلام موجود در مکان تپه تاریخی جی و بقعه الراشد بالله که وجود آن در کاوش‌های باستان‌شناسی به اثبات رسیده و پیشتر اشاره شد، به دلیل اهمیت زیاد، سه گروه از اسناد و داده‌ها به صورت مجزا مورد توجه و استدلال قرار خواهد گرفت: الف) داده‌های باستان‌شناختی: چنان‌که اشاره شد، در کاوش‌های کوتاه‌مدت دهه ۱۳۵۰ شمسی که در تپه تاریخی پیرامون بنا انجام شد، لایه‌های متعدد تاریخی یافت شد و کهن‌ترین آن، شالوده بنایی با مصالح سنگی بود که به نظر می‌رسد به دوره پیش از اسلام تعلق داشته باشد.

به دوره قبل از اسلام مؤثر باشد، اسناد تاریخی است. بر پایه مطالب موجود در کتب تاریخی، جی باستان و مکان فعلی بقعه الراشد بالله، در داخل باروی عظیم جی قرار داشته است. این بارو دارای چهار دروازه به نام‌های خورشید، ماه، تیر و جهودان بوده است (جعفریان، ۱۳۸۴، ۴۰). به نظر می‌رسد چهار دروازه‌های بودن بارو ریشه در تفکرات مهرپرستی داشته باشد (جعفری زند، ۱۳۸۱، ۵۱-۵۲).

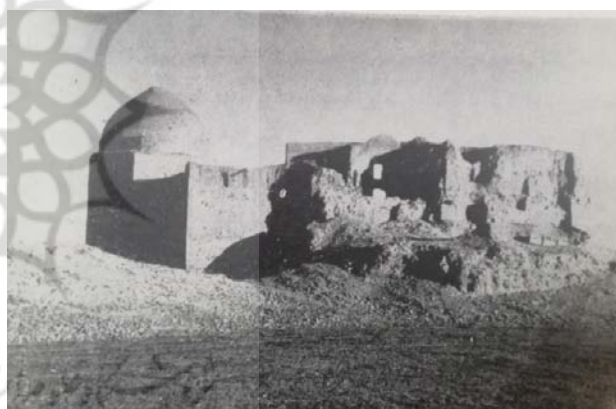
مطلب دیگر، شهرت منطقه‌ای در نزدیکی (حدود ۲۰۰ متری) بنای بقعه به نام «مهرآباد» است (بین خیابان بازارچه و بزرگراه صیاد شیرازی). به گفته مردم محلی این نام از قدیم به این محله اطلاق می‌شده است. عموماً این گونه نام‌های کهن، بی‌ارتباط با گذشته منطقه نیست. در خصوص این مکان نیز در ارتباط با سایر داده‌های مرتبط با آیین مهر، وجود منطقه‌ای به نام مهرآباد در مجاورت بنا دلیل دیگری از پیشینه آیینی منطقه است. (ج) تطبیق با موارد مشابه: با توجه به الگوی مشترک اکثر معابد و اماکن مقدس کهن، می‌توان با مقایسه و تطبیق بناهایی که به دلیل کاوش‌های باستان‌شناسی و پژوهش‌های بیشتر، پیشینه و کاربری‌شان از نظر علمی قبلاً به اثبات رسیده با مواردی چون بقعه الراشد بالله، ادراک بهتری از وضعیت بنا در هزاره‌های قبل به دست آورد. یکی از مشهورترین معابد در ایران که به دلیل پژوهش‌ها و کاوش‌های متعدد، تعلق آن به آیین‌های مهر و آناهیتا به اثبات رسیده، معبد آناهیتا در کنگاور است. ذکر شاخص‌ترین ویژگی‌ها و یافته‌های مربوط به این بنا و تطبیق و تحلیل آن با موارد ذکر شده در خصوص بقعه الراشد بالله، می‌تواند منبعی برای تبیین پیشینه بنا باشد.

معبد آناهیتا در شهر کنگاور، بنایی مذهبی در دوره هخامنشی است که بر روی صخره‌های سنگی شکل گرفت. پس از آن در دوره اشکانی با تجدید بنا و مرمت به عنوان معبد الهه آناهیتا مورد استفاده بود. سپس در دوره ساسانی و در جهت استمرار سنت استفاده از فضای مقدس، آتشکده‌ای در آن ساخته شد. در پایان این دوره و مقارن حمله اعراب، معبد مذکور تخریب و از قرن دوم هجری به بعد محل استقرار بناهای دوره اسلامی از جمله مسجد و امام‌زاده شد (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۴، ۱۲). این بنا دو مرتبه مورد هجوم و آتش‌سوزی واقع شد. در مرحله اول در پایان دوره اشکانی، به دلیل عدم تساهل مذهبی ساسانیان، معبد تخریب و بنای آتشکده بزرگ «آتور آناهیتا» در جای آن ساخته شد (همان، ۱۴). در دوره دوم احتمالاً در سال ۲۲ هجری و زمان تصرف نهاوند به وسیله اعراب، آتشکده به دلایل مذهبی تخریب شد (همان، ۹۶).

در این معبد وجود چشمه‌های آب، باعث همبستگی هرچه بیشتر با الهه آناهیتا شده بود (همان، ۳۹) و در سه دوره



تصویر ۶. عکس هوایی منطقه در زمان پهلوی. محل بنا با فلش نشان داده شده است. مأخذ: جعفری زند، ۱۳۸۱، ۴۵۲.



تصویر ۷. وضعیت بنا در دوره پهلوی. مأخذ: هنرفر، ۱۳۴۴، ۲۰۸.

است (همان، ۱۰). به باور مهرپرستان زایش مهر سوشیانس از دوشیزه که در آب بارور شده یکی از برجسته‌ترین نمادها بوده و سبب پیوستگی آیین مهر با آب می‌شده است (مقدم، ۱۳۸۵، ۳۲). واژه مهرابه نیز از ترکیب مهر و آب ساخته شده و تلفظ دیگران یعنی مهرآوه به معنای مکان مستقف مخصوص مهر است (رضی، ۱۳۸۱، ۲۶۹).

به طور حتم، در صورت تخریب دو مدرسه موجود بر تپه جی و انجام کاوش‌های گسترده باستان‌شناسی در آن، تکمیل کاوش‌های تپه اشرف و توجه به کاوش در فضای مابین این دو تپه (زیر بستر خیابان)، یافته‌های بیشتری به دست خواهد آمد که ابعاد دیگری از بناهای پیشااسلامی این محدوده را نمودار خواهد کرد. (ب) اسناد تاریخی: دومین گروه از شواهدی که می‌تواند در یافتن پیشینه بنای مربوط

معرفی واقع شد. در این زمینه بررسی منابع و اسناد تاریخی، سفرنامه‌ها، تصاویر تاریخی و یافته‌های باستان‌شناختی در کنار تحلیل و تطبیق نگارنده سبب شناسایی تاریخچه بنا از دوره پیش از اسلام تا زمان معاصر شد. همچنین تلاش شد بر مبنای شواهد تاریخی ابهام در خصوص افراد مدفون در بنا نیز رفع شود.

بنا بر نتایج این پژوهش، در دوره پیش از اسلام (هخامنشی یا اشکانی) معبدی مربوط به آیین مهر و آناهیتا بر روی تپه‌ای واقع در ساحل شمالی زاینده‌رود، داخل باروی جی باستان و در کنار سایر ابنیه آن زمان ساخته شده که احتمالاً با رواج آیین زرتشت در دوره ساسانی تبدیل به آتشکده شده است. این بنا تا زمان حمله اعراب موجود بوده که پس از فتح اصفهان توسط مسلمانان و خصوصاً با ویرانی‌های سال ۲۳ هجری قمری، همراه با بقیه ساختمان‌های جی تخریب و متروک شد که تا سال ۱۵۰ هجری به صورت تپه‌های خاکی به چشم می‌آمده است. در قرن دوم یا سوم هجری به روایت مرسوم، بنای مسجدی مستحکم بر روی ویرانه‌های معبد پیشین احداث شد که دارای اهمیت و مورد توجه بوده است. در قرن ششم هجری، الراشد بالله سی‌امین خلیفه عباسی، پس از درگیری با سلجوقیان ایران از بغداد گریخت و در نهایت در اصفهان به قتل رسید. خلیفه عباسی در شمالی‌ترین قسمت مسجد جامع جی مدفون و پس از چندی در همین دوره، مسجدی جدید بر روی مسجد پیشین ساخته و این بار در قسمت شمالی آن گنبدخانه‌ای مجزا جهت مقبره خلیفه و مناره‌ای بلند معروف به مناره شهرستان یا شاه‌رستم در جوار آن ساخته شد. در این زمان مزار خلیفه جزئی از مسجد و ورود به آن نیز از طریق مسجد امکان‌پذیر بوده که مسجد مزبور در طی قرون بعدی و پیش از زمان صفویه تخریب شده است. همچنین در دوره اسلامی یکی از نوادگان امام حسن (ع) به نام شاهزاده حسین (ع) در کنار خلیفه مدفون شد که با سیاست‌های شاهان صفوی مبنی بر گسترش تشیع، نام خلیفه از این زمان حذف و دو قبر موجود در بنا به نام امام‌زادگان حسین و ابراهیم شهرت یافت (اگرچه احتمال ضعیف مبنی بر دفن امام‌زاده ابراهیم به جای خلیفه نیز متصور است). از زمان صفویه به بعد تپه به جای مانده از مسجد به قبرستان تبدیل شد که این قبرستان تا زمان معاصر وجود داشته است. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب در ضلع جنوبی بقعه خلیفه بر روی قبرستان، دو مدرسه دخترانه احداث شده که تا امروز وجود دارد. در نتیجه می‌توان گفت بقعه الراشد بالله یا امام‌زاده شاهزاده حسین واقع در محله شهرستان اصفهان مانند برخی دیگر از اماکن مذهبی دوره اسلامی، پیشینه‌ای پیشا اسلامی دارد و شامل

هخامنشی، اشکانی و ساسانی در جوار آن انواع شیوه‌های تدفین وجود داشته است که در برخی از آن‌ها تدفین رو به مشرق به اثبات رسیده است. در دوره اسلامی نیز این محل به عنوان قبرستان مورد استفاده بود که سنگ قبرهای دوره‌های سلجوقی و صفوی در آن یافت شده است (همان، ۳۹، ۷۴، ۲۴۶، ۳۱۰).

ساخت معبد بر روی صخره سنگی در مجاورت منابع آب، استفاده به عنوان بنای مقدس آیین‌های مهر، آناهیتا، زرتشت و دین اسلام، استمرار تدفین مذهبی از دوره میتراپیسم (رو به شرق) تا دوره اسلامی، و در نهایت تبدیل شدن به مسجد و امام‌زاده در دوره اسلامی همه ویژگی‌های مشترک بنای بقعه الراشد بالله و معبد آناهیتا است که نمونه‌هایی از دگردیسی بنا و مکان مقدس در طول زمان در قالب آیین‌های مختلف و نشان‌دهنده یک الگوی واحد است. حتی زمان تخریب مشترک دو بنا در نیمه قرن اول هجری به دلایل مذهبی و شروع استقرار بناهای اسلامی از حدود قرن دوم هجری این مطلب را به ذهن متبادر می‌کند که معبد احتمالی موجود در تپه جی نیز مشابه معبد آناهیتا به دلایل سیاسی و مذهبی توسط اعراب تخریب و سپس دوباره به عنوان بنای مقدس دین جدید مورد استفاده قرار گرفته است. باید توجه داشت که معبد آناهیتا کنگاور یک نمونه منحصر به فرد نبوده و از زمان اردشیر دوم هخامنشی به بعد، معابد مشابهی در سایر نواحی ایران چون پاسارگاد، همدان و شوش بنا شد (همان، ۴۱) و بعید نیست که بقعه الراشد بالله بر شالوده یکی از همین معابد بوده باشد.

در پایان این بخش، بر مبنای سه گروه شواهد اسناد تاریخی، یافته‌های باستان‌شناختی و تطبیق با نمونه‌های مشابه، می‌توان استدلال کرد بنای معبدی مربوط به آیین مهر و آناهیتا بر صخره‌ای در جوار رودخانه زاینده‌رود در دوره هخامنشی یا اشکانی شکل گرفته که در دوره اشکانی قبرستان آیینی در جوار آن به وجود آمده است. احتمالاً این معبد در دوره ساسانی به صورت بنای مذهب زردشت دگردیسی یافته که تا پایان این دوره وجود داشته و در نهایت در زمان تصرف اصفهان توسط اعراب تخریب شده است. باید توجه داشت، اماکن مقدس در باورهای ایرانیان که در ابتدا در ارتباط با نیایش ماه و خورشید بوده و در زمان زرتشت تداوم یافته است، پس از اسلام در قالبی جدید دگردیسی یافته و همچنان مورد استفاده بوده است. به این معنا که معابد مهر و آناهیتا ابتدا به آتشکده و سپس به مساجد و امام‌زاده‌ها تبدیل شده‌اند (جوادی، ۱۳۹۷، ۱۰).

نتیجه‌گیری

در این نوشتار برای نخستین بار سیر تحول و پیشینه بنای منسوب به بقعه الراشد بالله در اصفهان مورد پژوهش و

کارشناسی ارشد رشته مرمت و احیای بناها و بافت های تاریخی، دانشکده مرمت، دانشگاه هنر اصفهان.

- فلاندن، اوژن. (۲۵۳۶). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران* (ترجمه حسین نورصادقی). تهران: انتشارات اشراقی.
- کامبخش فرد، سیف‌الله. (۱۳۷۴). *معبد آناهیتا*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- کشف اسکلت بانوی اشکانی در تپه تاریخی اشرف اصفهان. (۱۳۹۹). تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵. قابل دسترسی در: <https://www.irna.ir/news>
- کشف اسکلت دومین بانوی اشکانی در کاوش‌های تپه اشرف اصفهان. (۱۳۹۹). تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۱۰/۱. قابل دسترسی در: <https://www.mcth.ir/news/ID/57231>
- گودرزی، پروانه. (۱۳۹۶). محله شهرستان، جایگاه جی و هسته اصلی شهر اصفهان. *تاریخ روایی*، ۲(۴)، ۶۲-۸۱.
- مهدوی، مصلح‌الدین. (۱۳۸۲). مزارات اصفهان از قرن سوم هجری تا زمان حاضر (به تصحیح اصغر ۱۳۸۲ مهدوی، مصلح‌الدین). منتظر القائم. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- مقدم، محمد. (۱۳۸۵). *جستار درباره مهر و ناهید*. تهران: هیرمند.
- میرفتاح، علی اصغر. (۱۳۵۵). آثار باستانی جی باستان (پی‌گردی مسجد جی). *بررسی‌های تاریخی*، ۱۱(۶)، ۱۹۵-۲۳۶.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۹۰). *تاریخ اصفهان* (مجلد سلسله سادات و مشجرات و مسطحات، انساب و نسب امامزاده‌های اصفهان). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۹۵). *تاریخ اصفهان* (مجلد حوادث و وقایع و حکام و سلاطین اصفهان). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هنر فر، لطف‌الله. (۱۳۴۴). *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*. اصفهان: چاپخانه امامی.
- هنر فر، لطف‌الله. (۱۳۵۲). آثار تاریخی جی. هنر و مردم، (۱۳۱)، ۲۴-۳۶.

دوره‌های ستایش مهر و آناهیتا، آیین زرتشت و دین اسلام است که حاصل تداوم استفاده از مکان مقدس و دگردیسی باورهای کهن ایرانیان در قالب‌های جدید است.

فهرست منابع

- آرامگاه الراشد بالله. (بی.تا). تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۱۱/۱۱. قابل دسترسی در: <https://fa.wikipedia.org>
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن. (۱۳۶۷). *مرآة البلدان* (به تصحیح عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث). مجموعه سه جلدی، چاپ اول. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- جانزاده، علی. (۱۳۸۸). *اصفهان قدیم*. چاپ اول. تهران: انتشارات جانزاده.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۴). *خوشید جی*. چاپ اول. اصفهان: شورای اسلامی شهر خوراسگان.
- جعفری‌زند، علیرضا. (۱۳۸۱). *اصفهان پیش از اسلام*. چاپ اول. تهران: آن.
- جوادی، شهره. (۱۳۸۶). اماکن مقدس در ارتباط با طبیعت (آب، درخت و کوه). *باغ نظر*، ۴(۸)، ۱۲-۲۲.
- جوادی، شهره. (۱۳۹۷). اماکن مقدس با پیشینه نیایشگاه مهر. هنر و تمدن شرق، ۶(۱۹)، ۱۰-۱۵.
- حداد عادل، غلامعلی. (۱۳۹۹). *دانشنامه جهان اسلام*. ج. ۱۹. تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
- دیولافوا، ژان. (۱۳۹۳). *از قفقاز تا پرسپولیس، سفرنامه مادام دیولافوا*. (ترجمه محمد مجلسی). چاپ اول. تهران: نشر دنیای نو.
- رضی، هاشم. (۱۳۸۱). *تاریخ آیین رازآمیز میتراپی*. تهران: بهجت.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم. (۱۳۵۲). *آثار ملی اصفهان*. چاپ اول. تهران: انجمن آثار ملی.
- صادقی، رضا. (۱۳۹۳). *طرح مرمت بقعه منسوب به الراشد بالله اصفهان و ساماندهی محیط پیرامون آن*. پایان‌نامه

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
صنعزاده، طاهها. (۱۴۰۲). پژوهشی در سیر تحول تاریخی بقعه الراشد بالله در اصفهان. *مجله هنر و تمدن شرق*، ۱۱(۴۰)، ۶۴-۵۵.

DOI:10.22034/JACO.2023.388545.1305
URL: https://www.jaco-sj.com/article_170926.html

